

## دانش‌نامهٔ دین

### ارتدوکس شرقی Eastern Arthodoxy

به خصوص هنگامی که در بارهٔ کلیساهای روسی یا اسلاو و جوامع ارتدوکس اروپای غربی و آمریکا به کار می‌رود.

شکاف میان کلیساهای شرق و غرب

(در سال ۱۰۵۴م) نقطهٔ اوج جدایی‌ای بود که در قرون اولیهٔ دوران مسیحیت آغاز شد. از سال ۱۰۵۴، اعضای کلیسای

ارتدوکس شرقی در سراسر خاورمیانه، بالکان و روسیه پراکنده شدند، اما مرکز آنها قسطنطنیه بود. فراز و نشیب‌های

تاریخی سبب شد که ساختارهای درونی کلیسای ارتدوکس تا حد بسیاری تغییر کند، اما، حتی امروزه، بخش عمدهٔ پیروان

این کلیسا همچنان در محدوده‌های جغرافیایی سابق زندگی می‌کنند. با این حال، گسترش فعالیت‌های تبشیری

ارتدوکس شرقی یکی از شاخه‌های اصلی مسیحیت است که پیوند با کلیسای رسولان، مراسم نیایش، و کلیساهای محلی از جمله مشخصه‌های آن می‌باشد.

ارتدوکس شرقی مجموعهٔ بزرگی از جامعهٔ مسیحیت است که از مراومه‌های هفت شورای جهانی اولیهٔ کلیسا پیروی می‌کند. عنوان رسمی کلیسا در متون نیایشی و رسمی ارتدوکس شرقی، «کلیسای کاتولیک - جامع - ارتدوکس» است. در عین حال، به علت پیوندهای تاریخی ارتدوکس شرقی با امپراتوری روم شرقی و بیزانس (قسطنطنیه)، در انگلیسی از این کلیسا با عنوان کلیسای «شرقی» و یا کلیسای «ارتدوکس یونانی» نام می‌برند. این اصطلاحات گاهی گمراه‌کننده است،

(مسیونری) به سمت آسیا و مهاجرت به سوی غرب سبب شده است که ارتدوکس شرقی همچنان از اهمیت شایانی در سراسر جهان برخوردار باشد.

کلیسای ارتدوکس از کلیساهای «خودگردان» به شمار می‌آید (که توسط سراسقف‌های خودشان اداره می‌شود) و سراسقفی جامع قسطنطنیه به عنوان سراسقف افتخاری، عهده‌دار اختیارات آن است. کلیساهای خودمختار متعددی وجود دارند. امروزه تعداد این کلیساها افزایش یافته است از جمله: کلیسای قسطنطنیه (در استانبول)، کلیسای اسکندریه (در مصر)، کلیسای انطاکیه (مرکز آن در دمشق در سوریه) و نیز کلیساهای اورشلیم، روسیه، اوکراین، گرجستان، صربستان، رومانی، بلغارستان، قبرس، یونان، آلبانی، لهستان، جمهوری چک، اسلواکی و آمریکا. تعدادی از این کلیساها عملاً کلیسای ملی محسوب می‌شوند که تا به امروز بزرگ‌ترین آنها کلیسای روسیه می‌باشد؛ با این حال معیار ملیت اصل پذیرفته‌شده برای سازماندهی کلیسای ارتدوکس نمی‌باشد، بلکه اصل قلمرو معیار به شمار می‌آید.

کلیهٔ بندهای اعتقادنامه‌ها، متون نیایشی، و احکام اعتقادی ارتدوکس‌ها مؤید این ادعاست که کلیسای ارتدوکس،

ایمان اصیل رسولی را حفظ کرده است. کلیسای ارتدوکس، هفت شورای جهانی کلیسا در نیقیه (۳۲۵م)، قسطنطنیه (۳۸۱م)، افسس (۴۳۱م)، کالسیدون (۴۵۱م)، قسطنطنیه (۵۵۳م)، قسطنطنیه (۶۸۰م) و نیقیه (۷۸۷م) را به رسمیت می‌شناسد و اذعان دارد بیانیه‌های شوراها بعدی نیز در همان راستاست (به عنوان مثال می‌توان از شوراها قسطنطنیه نام برد که بر تعالیم الهیات قدیس گرگوری پالاماس در قرن ۱۴ صحنه می‌گذارد) و سرانجام باید خاطر نشان ساخت که این کلیسا خود را حامل سنت پویا و بی‌وقفهٔ مسیحیت راستین می‌داند که در عبادات، حیات قدسین، و ایمان کل قوم خداوند نمود می‌یابد. الیهیدانان ارتدوکس به هنگام بیان اعتقادات کلیسای خویش به جای تعبد و تقید ظاهری به این عقاید خاص، در پی التزام به سنت و کتاب مقدس، آن‌گونه که در شوراها باستان، آبابی اولیه، و در حیات بی‌وقفه نماز و نیایش ظهور یافته است، می‌باشند.

آبابی یونانی کلیسا همواره یادآور شدند که آفرینش انسان به صورت خدا (پیدایش ۱۰:۲۶) بدین معناست که بشر موجودی خودمحمور نیست و ارتباط با خدا، سرشت نهایی او یعنی «نمونه اصیل» انسانی را تعیین

است که مادر «جسمانی» وی به شمار می‌آید. اصطلاح theopaschite («خداوند شخصاً رنج کشید») از معیارهای ارتدوکسی در کلیسای شرقی، به ویژه پس از دومین شورای قسطنطنیه (۵۵۳م) گردید. بر این اساس، بشر بودن مسیح (ع) بی‌تردید هم‌فی‌نفسه امری واقعی بود و هم در نزد خداوند، چرا که وی را بر روی صلیب تسلیم مرگ ساخت، و نیز رستگاری و نجات انسان تنها به دست خداوند محقق می‌گردد - ضرورت مرگ که انسان را در بند خود قرار داده است از همین‌جا ناشی می‌شود.

به‌طور معمول مفاهیم نیایشی ارتدوکسی، به واسطهٔ زبان عامیانهٔ آن، برای مؤمنین قابل فهم است، اگرچه محافظه‌کاری مذهبی سبب حفاظت [بیشتر] از زبان‌های منسوخ می‌گردد. نیایش‌های قدیس جان کریسوستم و قدیس باسیل کبیر متداول‌ترین کاربرد را در عبادات ارتدوکس دارند. این نیایش‌ها تنها در متن قانونی آیین عشای ربانی با یک‌دیگر تفاوت دارند، و ساختار کلی آنها، که در اوج قرون وسطی تنظیم شده، یکسان است. این کلیسا هفت سر یا آیین مقدس را به رسمیت می‌شناسد: غسل تعمید، آیین تدهین، عشای ربانی، درجات مقدس

می‌کند. لذا مفهوم گناه متضمن جدایی انسان از خدا و نازل مقام او به موجودی منززل و خودمحمور، یعنی موجودی محروم از شأن و منزلت و آزادی طبیعی است. از این منظر، «گناه اولیه» را نه حالتی گناه‌آلود که از [حضرت] آدم به ارث رسیده، بلکه باید نوعی وح غیرطبیعی زندگی بشر تلقی کرد که با مرگ خاتمه می‌یابد. اعتقاد بر این است که آدمیان به واسطهٔ مرگ و رستاخیز عیسی مسیح (ع) که با غسل تعمید و زندگی مقدس در کلیسا تحقق می‌یابد از دور باطل مرگ و گناه‌رهایی می‌یابند. بنابراین هدف مسیحیان، اتحاد با خداوند و خداگونگی است. کلیسا محفلی دانسته می‌شود که در آن خدا و انسان با یک‌دیگر دیدار می‌کنند و نوعی تجربهٔ شخصی حیات الوهی میسر می‌گردد. از ویژگی‌های بارز مسیح‌شناسی ارتدوکس، تأکید بر یکی دانستن عیسی مسیح (ع) با پسر از پیش موجود خدا، لوگوس (کلمه)، در انجیل یوحنا می‌باشد. به همین ترتیب نماز و نیایش مسیحی پیوسته از مریم باکره همچون «حامل خداوند» یاد می‌کند که این اصطلاح اشاره به مفهوم شخصیت الهی منحصر به فرد مسیح دارد، و لذا مریم مقدس تنها به این دلیل مقدس و محترم

بارزتر به چشم آید.

پولس رسول در رومیان ۸: ۲۹-۳۰ می‌گوید که «خداوند برای کسانی که خود می‌دانست، چنین مقدر نمود که به صورت پسر درآیند... و مقدر کرد آنان را به سوی خود فراخواند. کسانی را که او فرامی‌خواند آمرزیده می‌شوند، و آنان را که خداوند بیمارزد، عزت و جلال می‌بخشد». بعدها سه نوع آموزه دربارهٔ تقدیر شکل گرفت که خود اقسام گوناگونی دارند. یک نظریه (که با مذهب شبه‌پلاگیوسی، صورتی از نومیانیسم، و مکتب آرمینیوسی در ارتباط است) علم غیب الهی را دلیل تقدیر می‌داند و می‌گوید که خدا به تقدیر خود کسانی را که ایمان و شایستگی آیندهٔ آنان را از پیش می‌دانست، رستگار ساخت. در نقطهٔ کاملاً مخالف این نظریه، آموزهٔ تقدیر مضاعف قرار دارد، که معمولاً با ژان کالون شناخته می‌شود، ولی ارتباط آن با شورای دورت (Synod of Dort) صحیح‌تر می‌باشد. این نظریه همچنین در برخی نوشته‌های قدیس آگوستین و مارتین لوتر و نیز افکار یانسنیست‌ها (Jansenists) به چشم می‌خورد. طبق این نظریه خداوند از ازل تعیین می‌کند که چه کسانی را بدون در نظر گرفتن شایستگی‌ها یا عیوب‌شان اهل سعادت یا شقاوت قرار دهد. آموزهٔ سومی

کلیسا، اعتراف (توبه)، تدهین بیاران (تبرک با روغن مقدس که از قرون وسطی در غرب رایج است) و ازدواج مسیحی. شالودهٔ الهیات مربوط به آیین‌های مقدس در کلیسا بر این مفهوم استوار است که جامعهٔ کلیسایی راز منحصر به فردی است که آیین‌های مقدس گوناگون تجلیات و نمودهای عادی آن به شمار می‌آیند.

See: "Eastern Orthodoxy" in *Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions*.

احمد حبیبی

## تقدیر

### Predestination

تقدیر (قضا و قدر): تقدیر در مسیحیت عبارت است از این آموزه که پروردگار کسانی را که می‌خواهد نجات دهد از ازل برگزیده است. تقدیر در کاربرد امروزی، از موجبیّت علیّ و جبرگرایی، هر دو، متمایز است و تابع قدرت تصمیم‌گیری آزادانهٔ ارادهٔ اخلاقی بشر است؛ اما این آموزه همچنین حاکی از آن است که رستگاری کاملاً به مشیت ازلی پروردگار منوط است. مسئلهٔ تقدیر از نظر اصول و مبانی به اندازهٔ خود دین عام و فراگیر است، لیکن تأکید عهد جدید بر طرح الهی رستگاری سبب شده است تا این مطلب در الهیات مسیحی

قانونی در یهودیت و مسیحیت تفاوت چشمگیری دارد، اما ترتیب آنها نزد پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها تا حد زیادی شبیه یک‌دیگر است.

یهودیان از دیرباز متون مقدس خود را به سه بخش تقسیم کرده‌اند: تورات (به معنای قانون یا شریعت) یا اسفار پنج‌گانه؛ نبییم (پیامبران) و کتوبیم (نوشته‌ها) یا سپنتانامه. اسفار پنج‌گانه به همراه کتاب یوشع را می‌توان گزارشی از سرگذشت تبدیل اسرائیل به یک ملت و دست‌یازی آنان به سرزمین موعود دانست. بخشی که «پیامبران» نامیده می‌شود، این داستان را ادامه می‌دهد و تثبیت و تحولات سلطنت و ابلاغ پیام‌های پیامبران به قوم را توضیح می‌دهد. بخش نوشته‌ها شامل تأملات دربارهٔ جایگاه شر و مرگ در میان اشیا (ایوب و کتاب جامعه)، آثار منظوم و سایر کتاب‌های تاریخی است.

بخش آپوکریف عهدعتیق، به نظر می‌رسد دو هدف را هم‌زمان دنبال می‌کند: نخست پر کردن باره‌ای از خلأهای موجود در کتاب‌هایی که در قانونی بودن آنها شکی نیست. دوم رساندن تاریخ قوم اسرائیل به قرن دوم پیش از میلاد.

عهدجدید، همانند عهدعتیق، عبارت است از مجموعه‌ای از کتاب‌ها که از جمله

هم وجود دارد که در دیگر نوشته‌های قدیس آگوستین و مارنین لوتر، در احکام دومین شورای اراثر (Council of Orange) (در سال ۵۲۹) و نیز در تفکرات قدیس توماس آکویناس به چشم می‌خورد. این نظریه، رستگاری انسان را به فیض الهی که بدون استحقاق عطا می‌شود، و در نتیجه به تقدیر الهی نسبت می‌دهد، ولی طرد شدن انسان از درگاه ربوبی را به گناه و خطای انسان مربوط می‌داند.

See: "Predestination" in *Merriam - Webster's Encyclopedia of World Religions*, P. 882.

احمد حسینی

## کتاب مقدس

### Bible

متون مقدس یهودیت و مسیحیت. کتاب مقدس مسیحی شامل عهدعتیق و عهد جدید است. در آیین کاتولیک و کلیسای ارتدوکس شرقی، عهدعتیق مقداری بزرگ‌تر است و این بدان سبب است که بعضی از کتاب‌ها یا بخش‌هایی از کتاب‌ها که در آیین پروتستان آپوکریف شناخته شده، نزد آنان پذیرفته شده است. کتاب مقدس یهودی تنها شامل کتاب‌هایی است که در مسیحیت به «عهدعتیق» شناخته شده است. ترتیب کتاب‌های

زبان و سبک آن دوره. (۳) نقاد ادبی (literary) که تمامی توجه آن به سبک‌های مختلفی است که متن در آن شکل گرفته و هدف آن کشف شواهدی است برای اثبات تاریخ نگارش، نویسنده و کارکرد اصلی بخش‌های مختلف نوشته‌ای که کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد. (۴) نقاد سنت (tradition) که می‌کوشد تا به بررسی ریشه‌های تحولات سنت‌های شفاهی بپردازد که بر آثار مکتوب مقدم بوده است. (۵) نقاد شکل (form) که آثار مکتوب را براساس شکل‌های پیش‌ادبی مانند مَثَل (parable) یا سروده (hymn) طبقه‌بندی می‌کند.

سایر مکاتب نقادی کتاب مقدس که به دنبال روش‌های تفسیری تر هستند، یعنی به کشف معنای اصلی متون توجه دارند، شامل نقادی ویرایشی (redaction) است که به مطالعه این می‌پردازد که چگونه نویسندگان و تدوین‌کنندگان نهایی این اسناد را گرد هم آوردند؛ و نقادی تاریخی که در صدد تفسیر نوشته کتاب مقدس در بستر اوضاع و احوال تاریخی آنان است.

الهام کتاب مقدس: این ادعا که نویسندگان کتاب‌های مقدس با هدایت خاص الهی عمل کردند. تا حد زیادی، این امر بسط

آنها ادبیات و آثار آغاز مسیحیت است. اناجیل چهارگانه به زندگی، شخص و تعالیم عیسی مسیح، به همان صورتی که جامعه مسیحی نخستین به خاطر داشت، می‌پردازد. «اعمال رسولان» داستان مسیحیت از رستاخیز عیسی تا پایان دوران پولس را بیان می‌کند. «نامه‌ها» یا «رساله‌ها» مکاتباتی است از سوی رهبران مختلف کلیسای اولیه مسیحی که پیغام کلیسا را برای رفع نیازها و مشکلات مختلف جماعات اولیه مسیحی به کار می‌گرفتند. «مکاشفه یوحنا» تنها نماینده از سبک گسترده ادبیات عرفانی است که در جنبش اولیه مسیحی ظاهر شد.

نقادی کتاب مقدس: رشته‌ای که به تحقیق درباره بررسی‌هایی در باب متن، جگونگی تألیف و تاریخ عهد عتیق و عهد جدید می‌پردازد. نقادی کتاب مقدس زمینه را برای تفسیر معنا دار کتاب مقدس فراهم می‌سازد.

شکل‌های اصلی نقادی کتاب مقدس عبارت‌اند از: (۱) نقادی متن (textual) که توجه آن به تعیین متن اصیل یا معتبرتر است. (۲) نقادی زبان‌شناختی (philological) که عبارت است از تحقیق در باره زبان‌های کتاب مقدس برای به دست آوردن شناختی دقیق‌تر از واژگان، دستور

منبع کتاب مقدس: هر یک از مطالب اصلی شفاهی یا کتبی که به نگارش کتاب مقدس یهودی و مسیحی کمک رساند. نویسندهٔ بیشتر بخش‌های عهد عتیق افرادی گمنامند و در موارد بسیاری معلوم نیست که نویسندهٔ آن فردی خاص بوده است یا یک گروه. با این حال، با ارزیابی دقیق شواهد درونی و به مدد مکتب‌های مختلف نقادی کتاب مقدس، محققان توانسته‌اند منابع خاصی را شناسایی کنند و آنها را به گونه‌ای گاه‌شمارانه مرتب کنند.

شیوه‌هایی که به وسیلهٔ آن منابع اصلی اسفار پنج‌گانه تمییز داده شود و گاه‌شماری آن تعیین شود، نخستین تصویر روشن از ادبیات و تحولات دینی قوم بنی‌اسرائیل را ارائه می‌کند. نام‌هایی که امروزه این منابع بدان شناخته می‌شوند، به ترتیبی گاه‌شمارانه چنین‌اند: منبع یهوه‌ای (Yahwist) یا J دلیل این نام‌گذاری آن است که برای خدا نامی عبری را به کار برده است که حرف نویسی انگلیسی آن YHWH است (و به جهت شکل آلمانی JHVH منبع J نامیده شده است)؛ منبع الوهیمی یا E که تمایزش از منبع قبل به دلیل اشاره به خداوند با کلمهٔ الوهیم (Elohim) است؛ منبع تثنیه‌ای (Deuteronomist) یا منبع D که واژگان و سبک خاصش آن را متمایز کرده است؛ و

ادعای مکاشفه الهی و این باور است که غیب‌گویان، رؤیابینان و پیامبران نه تنها «محتوا»ی پیام، که شکل و حتی خود کلمات آن را از منبعی الوهی دریافت کردند. از این‌رو، در یونان باستان پیام‌های غیبی دلفی (و نیز سایر معابد) سخن الوهیت بود. در کتاب مقدس عبری، خدای اسرائیل نه تنها کلمات را در دهان پیامبران و سایر پیام‌رسانان منصوب شده می‌گذارد، بلکه به آنان دستور می‌دهد تا آنها را به همان صورتی که دریافت کرده‌اند بنویسند. عهد جدید مسیحی این کیفیت الهام‌شده را دربارهٔ کتاب مقدس عبری تأیید می‌کند و سرانجام رسولان مسیحی و نویسندگان انجیل‌ها کسانی شمرده شدند که به وسیلهٔ روح القدس الهام شده‌اند. آموزهٔ توحیدی از آن اسلام است که براساس آن، نویسندهٔ قرآن تنها خداست و محمد [ص] فقط کاتب اوست.

ظهور شیوهٔ مطالعه کتاب مقدس به گونهٔ تاریخی - نقادی در یهودیت (به وسیلهٔ فیلسوفانی مانند بندیکت اسپینوزا) و در مسیحیت، موجب بروز بحرانی میان آموزهٔ الهام‌بودن کتاب مقدس و تحقیقات علمی و به همراه آن بعضی از مناقشات الهیاتی در قرن نوزدهم و بیستم شد.

تحقیقات مربوط به آنها این است که متون را تا آنجا که شدنی است به دست‌نوشته‌های اصلی برگردانند.

منابع اصلی قرائن و ادله مورد نظر، همان دست‌نوشته‌های یونانی از سده دوم تا سده پانزدهم است که حدود پنج‌هزار دست‌نوشته از این مجموعه امروزه شناخته شده است و نسخه‌های اولیه به سایر زبان‌ها مانند سریانی، قبطی، لاتین، ارمنی و گرجی است.

در مجموع از این منابع به «شواهد» یاد می‌شود. اغلب نسخه‌های معتبر و موثق کتاب مقدس در ترجمه‌های معاصر بر متنی جامع‌الشواهد (eclectic) استوار است که شواهد حاکی از برداشت‌های متفاوت در آن آورده شده است. در این موارد، بهترین برداشت از متن و سبک شناخته‌شده نویسنده ترجیح داده شده است.

کوشش‌هایی که برای فراتر رفتن از نوشته‌های اصلی به منظور بازسازی سنت شفاهی قبل از آن صورت می‌گیرد شکلی از نقادی کتاب مقدس معروف به نقادی سنت است. امروزه محققان کوشیده‌اند تا با استفاده از این شیوه، کلیات واقعی عیسی را با حذف اضافات و ملحقات (accretions) کشف کنند.

منبع‌کاهنی (Priestly Code) که راهنمایی‌های مبسوطی در باب شعائر دینی دارد.

از آن زمان منابع بسیار دیگری برای عهد عتیق شناسایی شده است که از جمله آنها دو کتاب از نخستین کتاب‌های اولیه مکتوبات عبری است که امروزه اثری از آنها نیست و بخش‌هایی از آن در روایات اولیه جای داده شده است. این کتاب‌ها که عبارت‌اند از کتاب جنگ‌های یهوه و کتاب یاشار، (به معنای «عادل و درست») احتمالاً به صورت شعر بوده‌اند.

منابع عهد جدید عبارت است از نوشته‌هایی اصلی‌ای که کتاب مقدس مسیحی را پدید می‌آورد و به همراه سنت شفاهی بر آنها سبقت داشت. از سه انجیل نخست به «اناجیل همدید» یاد می‌شود، به این معنا که منبع مشترکی دارند. دیدگاه معاصر بر این عقیده است که مرقس منبع متی و لوقا بوده و دو کتاب اخیر منبع مشترک دیگری به نام Q داشته‌اند که برگرفته از واژه آلمانی quelle به معنای منبع است که عمدتاً همان گفته‌های عیسی است. انجیل یوحنا به وضوح حکایت از سنتی مستقل دارد.

در حالی که بیشتر نویسندگان عهد عتیق ناشناخته‌اند، بخش عمده منابع عهد جدید معلوم است و رسالت اساسی



به معنای هفتاد) معروف شد.

نوشته‌های عبری، تنها کتاب مقدسی بود که کلیسای اولیهٔ مسیحی می‌شناخت و با گسترش آیین جدید (مسیحیت) در سراسر جهان یونانی‌زبان، مسیحیان نیز ترجمهٔ هفتادی را پذیرفتند. در همین حال، بسیاری از کتاب‌های کتاب مقدس مسیحی، عهد جدید، از همان ابتدا به زبان یونانی نوشته یا ضبط شد، در حالی که سایر کتاب‌ها چه بسا به زبان آرامی ضبط شد.

گسترش مسیحیت، ترجمه‌های بیشتری از عهد عتیق و عهد جدید به زبان‌های قبطی، اتیوایی، گوتیک، و مهم‌تر از همه، لاتین را ضروری ساخت. در سال ۴۰۵، قدیس جروم ترجمه‌ای به زبان لاتینی را به پایان رساند که پایه آن در وهلهٔ اول ترجمهٔ هفتادی و سپس اصل عبری کتاب مقدس بود. این نسخهٔ معروف به وولگات با وجود اشتباهات نسخه‌نویسان به نسخهٔ معیار مسیحیت غرب برای مدت هزار سال یا بیشتر تبدیل شد.

محققان یهود در مکتب‌های تلمودی فلسطین و بابل در حدود قرن ششم بعد از میلاد کوشیدند تا متون مقدس یهودی را احیا و تنظیم کنند و آنها را به شکل معتبر عبری بازگردانند. آنان قرن‌ها بر روی متنی

ترجمه کتاب مقدس: هنر و عمل ارائه کتاب مقدس به زبان‌هایی غیر از زبان‌هایی که این کتاب‌ها در اصل بدان نوشته شده بود. هم عهد عتیق و هم عهد جدید تاریخ درازی در ترجمه دارند.

تقریباً تمامی عهد عتیق در اصل به زبان عبری نوشته شد و تنها بخش‌های اندکی به آرامی بود. هنگامی که امپراتور فارس ساحل شرقی مدیترانه را در اختیار گرفت، زبان آرامی به زبان غالب در منطقه تبدیل شد و این آرزو به وجود آمد که کتاب‌های اسفار پنج‌گانه (شامل سفر پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه) از عبری به زبان رایج ترجمه شود. ترجمهٔ به‌دست‌آمده (Targums) ترگوم برگرفته از واژهٔ آرامی meturgeman به معنای مترجم) بعد از از بین رفتن طومارهای عبری به حیات خود ادامه داد.

در اواسط سدهٔ سوم پیش از میلاد، زبان یونانی زبان غالب بود و محققان یهود ترجمهٔ مجموعهٔ قانونی کتاب مقدس عبری به زبان یونانی را آغاز کردند. از آنجا که سنت بر این باور بود که هر یک از دوازده قبیلهٔ اسرائیل شش دانشمند را برای انجام این طرح در نظر گرفتند، نسخهٔ یونانی این کتاب مقدس یهودی بعدها (در لاتین) به هفتادی (septuagint) برگرفته از septuaginta

اولین نسخه کامل کتاب مقدس به زبان انگلیسی در سال ۱۳۸۲ انجام شد که به جان ویکلیف و پیروانش نسبت داده می‌شد. اما در حقیقت کار دانشوری به نام ویلیام تیندال بود که از سال ۱۵۲۵ تا ۱۵۳۸ عهدجدید و بخشی از عهدعتیق را ترجمه کرد و الگویی برای رشته‌ای از ترجمه‌های بعدی به زبان انگلیسی شد. سرآمد همه ترجمه‌های انگلیسی، نسخه کینگ جیمز (۱۶۱۱) که در انگلستان به «نسخه معیار» شهرت داشت) بود. این نسخه را ۵۴ دانشور که منصوب کینگ جیمز اول بودند، فراهم آوردند.

نزدیک عصر اختراع چاپ در سال ۱۴۵۰، تنها ۳۳ ترجمه مختلف از کتاب مقدس وجود داشت؛ اما در حدود سال ۱۸۰۰ تعداد ترجمه‌ها به ۷۱ ترجمه رسید و در پایان قرن بیستم تمامی متن کتاب مقدس به ۳۲۵ زبان ترجمه شد و بخش‌هایی از کتاب مقدس در بیش از ۱۸۰۰ زبان از زبان‌های جهان منتشر شد.

See: "Bible" in Merriam - Webster's Encyclopedia of World Religions, P. 130.

ب ح

**موعظه سرکوه Sermon on the Mount**  
مجموعه‌ای از تعالیم دینی در پندهای اخلاقی عیسی ناصری در کتاب مقدس که

سنتی کار کردند که به متن ماسورایی (Masoretic Text) معروف است و از هنگام تکمیلش در سده دهم مقبولیتی عام و فراگیر یافته است.

نسخه لاتینی جروم معروف به وولگات پایه و اساس ترجمه‌های عهدعتیق و عهدجدید به زبان‌های سربانی، عربی، اسپانیایی و زبان‌های بسیار دیگری از جمله انگلیسی بوده است. وولگات اساسی برای نسخه دوئه ران Douai Reims (عهد جدید ۱۵۸۲، عهدعتیق ۱۶۰۹ - ۱۶۱۰)، تنها کتاب مقدس انگلیسی در کلیسای کاتولیک روم تا قرن بیستم، بوده است.

دانش جدید در قرن پانزدهم و شانزدهم مطالعه زبان یونان باستان را زنده کرد و به ترجمه‌هایی جدید انجامید که یکی از آنها به وسیله اومانیت هلندی، دسیدرئوس اراسموس، انجام شد. او در سال ۱۵۱۶ نسخه‌ای از عهد جدید را منتشر کرد که متن یونانی را به همراه ترجمه‌ای از خود او به لاتینی به همراه داشت. در همین زمان، مارنن لوتر نخستین ترجمه کامل خود از اصل یونانی و عبری را به زبان روز اروپا در آلمان عرضه کرد. ترجمه عهدجدید او به زبان آلمانی در سال ۱۵۲۲ منتشر شد و ترجمه کامل کتاب مقدس در سال ۱۵۳۴.

آمده‌ام تا آنها را تکمیل نمایم. شما از علما و پیشوایان یهود بهتر نشوید، محال است بتوانید وارد ملکوت آسمان شوید.

گفته شده است که زنا مکن. ولی من می‌گویم که اگر حتی با نظر شهوت‌آلود به زنی نگاه کنی همان لحظه در دل خود با او زنا کرده‌ای. پس اگر چشمی که برایت اینقدر عزیز است باعث می‌شود گناه کنی، آن را از حدقه درآور و دور افکن. بهتر است که بدنت ناقص باشد تا این که تمام وجودت به جهنم افتد....

See: "Sermon on the Mount" in Merriam-Webster's Encyclopedia of World Religions, P. 958.

ب.ح

**T'ien** **تیان**  
تیان مبدأ متعالی قدرت و حکم در چین است که معمولاً به آسمان ترجمه می‌شود. وی در ابتدا با شانگ - تی [Shong-ti] شریک بود اما در سلسلهٔ جو اهمیتی مستقل یافت. در ابتدا تیان با زندگی اخلاقی پیوند داشت. زمانی که جنایت در پایتخت شانگ بیداد می‌کرد، حاکم از نابودی یین [Yin] ناراحت نبود... بنابراین تیان تصمیم گرفت که یین را از بین ببرد. تیان

در متی ۵-۷ آمده است. این موعظه خطاب به شاگردان و گروه انبوهی از شنوندگان بود و حاوی بسیاری از معروف‌ترین موعظه‌ها و اندرزهای مسیحیت است که از جملهٔ آن، عبارات شروع شده به «خوشا به حال» (Beatitudes) و نماز خداوند (Lorde's prayer) است. مشابه این، موعظهٔ به هنگام عبور از جاده‌ای در میان کشتزارها (لوقا ۶: ۲۰-۴۹) است. بخش‌هایی از موعظهٔ سرکوه چنین است:

خوشا به حال آنان که نیاز خود به خدا را احساس می‌کنند، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

خوشا به حال ماتم‌زدگان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.

خوشا به حال فروتنان، زیرا ایشان مالک تمام جهان خواهند گشت.

خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا سیر خواهند شد.

خوشا به حال آنان که مهربان و باگذشتند، زیرا از دیگران گذشت خواهند دید.

خوشا به حال پاکدلان، زیرا خدا را خواهند دید....

گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیا را منسوخ کنم. من

یک خدای متعالی یا فرمانروا را تصویر می‌کند. تی یکی از نیاکان سلسله شانگ بود که آن را خدا انگاشته و می‌پرستیدند و حاکمان سلسله شانگ، شانگ - تی را می‌پرستیدند، اما چون [این کلمه] شکل جمع ندارد، در تعداد شانگ - تی که یکی است یا بیشتر، تردید وجود دارد. او یا آنها اعمال کنترل کرده و اداره امور را در دست گرفته بودند (یعنی بر پدیده‌های طبیعی و بلاها کنترل داشتند). شانگ - تی نیای خانواده سلطنتی سلسله جو [Chou] (حدود ۱۱۲۳-۱۲۲۱ ق م) تلقی می‌شد که بر طبق سنت امپراتوری، مادر هوو - جی، [Hou-chi] بنیان‌گذار سلسله جو، هنگامی به او آبتن شد که اتفاقاً قدم بر جای پای شانگ - تی گذاشت. این آبتنی خارق‌العاده هوو - جی را فرزند شانگ - تی ساخت که در نتیجه سلسله شاهان جو، همه او را اولین نیای خویش تلقی کرده و به‌طور رسمی برایش قربانی‌های موسمی پیش‌کش می‌کردند. مهم‌ترین ویژگی او اداره فصل‌ها برای بذرافشانی پربرکت و درو خوب است. اما او همچنین الاهی اخلاق بود که متوقع بود نسلش از قوانین او پیروی کنند؛ او برای مجازات شاهان در زمانی که آنها مرتکب اشتباهات فاحش می‌شدند، بلاهای طبیعی نازل می‌کرد.

ظالم نیست، بلکه مردم خود را تباه می‌کنند. بنابراین زندگی کردن بر طبق راه آسمان (و در مورد امپراتور بر طبق تیان-مینگ [T'ien - ming] که تجلی آسمان است) خلاصه هدف زندگی درست - به هر شکلی که مطرح شود - گردید. وارد شدن آیین بودا منجر به این شد که تیان (بر طبق خط‌مشی‌های بودایی) به قلمروهای مختلف تقسیم گردد و همچنین تیان قدرت غیرشخصی طبیعت گردید که موجودات را به عرصه وجود می‌آورد. این امر به مذاق دئیویان که می‌توانستند تیان را به دئو [Dao] مربوط سازند، خوش آمد. در نتیجه تیان معانی مختلفی پیدا کرد (از این قبیل: مکانی است که خدایان، ارواح و بی‌مردگان در آن زندگی می‌کنند؛ حاکمی متعالی یا فرمانروایی شخصی است که بر عوالم در همه تجلیاتش حکم می‌راند؛ یا متحدکننده آن عوالم در یک نظام واحد است).

See: "T'ien" in *The Oxford Dictionary of World Religion*, Editor: John Bowker, Oxford University Press, 1999.

محمدعلی رستمیان

فرمانروای آسمان Shong-ti  
در چین احتمالاً مجموعه‌ای از نام خدایان

بنابراین بین او و نسلش نوعی رابطهٔ متقابل وجود دارد. در دورهٔ متأخر شانگ - تی با تیان (آسمان) نیمه توحیدی گردید که پرستش او در درجهٔ اول شعائری درباری بود که به خانوادهٔ امپراتوری و وابستگانشان - طبقهٔ رسمی کنفوسیوسی - محدود می‌شد.

در زمان‌های بعد اغلب به شانگ - تی به اختصار با عنوان تی (فرمانروا) اشاره می‌کردند. اما در دورهٔ متأخر عموماً تی برای هر امپراتوری به کار برده می‌شد؛ او منشأ الوهی دارد زیرا نیای اولش شانگ - تی است. مبلغان مسیحی شانگ - تی را به عنوان نام خدا برگزیدند، اگرچه عنوان تیان - جو (فرمانروای آسمان) نیز به کار برده می‌شد.

See: "Shong-ti" in *The Oxford Dictionary of World Religion*, Editor: John Bowker, Oxford University Press, 1999.

محمدعلی رستمیان